

شرعی جوزجانی

ادبیات روایی خلق‌های ازبک و ترکمن

ادبیات روایی یا شفاهی یک بخش مهم تاریخ ادبیات ترکی زبانان و از جمله خلق‌های ازبک و ترکمن را تشکیل می‌دهد. این بخش ادبیات مشتمل بر ترانه‌ها، سرودها، داستان‌های منظوم، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، اشعار لریک و پارچه‌های لطیف و زیبایی ادبی می‌باشد که یک قسمت آن خیلی پیشتر از ادبیات کتبی بوجود آمده، از دهانی به دهانی، از نسلی به نسلی و از دورهای به دوره‌ای انتقال نموده است.

ادبیات خلق‌های ازبک و ترکمن مشحون از احساسات وطن‌دوستی، عشق و علاقه به کار و شکار و احساس محبت نسبت به همونع بوده، خلق‌ها در انواع سرودها و ترانه‌ها، کار و استراحت، غم و شادی، شهامت و دل‌آوری خویش را ترنم کرده، فصول سال و مناظر زیبای طبیعت را هنرمندانه تصویر می‌نمایند و مردم را به سخنان حکمت‌آمیز به خصایل نیکو و پسندیده ترغیب می‌کنند. از قدیم‌ترین سرودهایی که در مورد شکار انشاد گردیده بر می‌آید که شکارچیان ضمن استفاده از سگ، اسب و مرغ شکاری از اصول بسیار ابتدایی و بسیط صید یعنی شکار توسط پارچه‌های سنگ نیز کار گرفته‌اند. مثلاً باین سرود که در کتاب دیوان «لغه‌الترک» آمده توجه کنید:

«چاغیر بیریب فرشله تو

تایغان ایزیب تیشله تو

تولکی تونغیز تاشله تو

اردم بیله اوکله لیم.»

ترجمه: «مرغ شکار را بدست جوانان داده بشکار برویم، سگان شکاری را از پی صیدها رها سازیم، خرس وروب‌ا را با پارچه‌های سنگ بزئیم، و آنگاه پیروزی های خود را بستائیم.»

ادبیات روایی این خلق‌ها با تجارب و دستاوردهای گران‌بهای خویش برای بوجود آمدن ادبیات کتبی زمینهٔ مساعدی ایجاد کرد و تا کنون همچون چشمهٔ لایزالی برای ایجادهای نوین ادبی در دسترس نویسندگان و شاعران قرار دارد.

ادبیات روایی همیشه و در همان حالی که بوجود آمده باقی نمی‌ماند، بلکه دوباره بصورت خلق دستخوش تحولات گوناگون می‌گردد و با احتوای معلومات نوین به غنای خود می‌افزاید، با شرایط تاریخی نوین وفق پیدا می‌کند و با آثاری که بعداً ایجاد می‌شود توأم می‌گردد و بدینسان یکجا با جامعه به حیات خویش ادامه می‌دهد.

از شاهکارهای ادبیات روایی خلق‌های ازبک و ترکمن و دیگر ترکی زبانان داستان‌های «طاهر وظهره»، «بوز اوغلان» «گل‌وصنوبر»، «عاشق شاه صنم وغریب»، «یوسف – احمد» و می‌توان نام برد که هر یک دارای ارزش و اهمیت خاصی می‌باشد. این‌ها کتاب‌های اند که بر اساس ایجاد خلق‌ها بوجود آمده و مورد علاقهٔ عامهٔ مردم قرار گرفته‌اند.

خلق‌های ازبک و ترکمن و دیگر خلق‌های ترکی زبان افغانستان در طی دوران طولانی ای که از فرهنگ و زبان خویش محروم مانده‌اند، با وجود فشار شدید ستم ملی و ناداشتن ادبیات روایی یا شفاهی یک بخش مهم تاریخ ادبیات ترکی زبانان و از جمله خلق‌های ازبک و ترکمن را تشکیل می‌دهد. این بخش ادبیات مشتمل بر ترانه‌ها، سرودها، داستان‌های منظوم، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، اشعار لریک و پارچه‌های لطیف و زیبایی ادبی می‌باشد که یک قسمت آن خیلی پیشتر از ادبیات کتبی بوجود آمده، از دهانی به دهانی، از نسلی به نسلی و از دورهای به دوره‌ای انتقال نموده است.

ادبیات خلق‌های ازبک و ترکمن مشحون از احساسات وطن‌دوستی، عشق و علاقه به کار و شکار و احساس محبت نسبت به همونع بوده، خلق‌ها در انواع سرودها و ترانه‌ها، کار و استراحت، غم و شادی، شهامت و دل‌آوری خویش را ترنم کرده، فصول سال و مناظر زیبای طبیعت را هنرمندانه تصویر می‌نمایند و مردم را به سخنان حکمت‌آمیز به خصایل نیکو و پسندیده ترغیب می‌کنند. از قدیم‌ترین سرودهایی که در مورد شکار انشاد گردیده بر می‌آید که شکارچیان ضمن استفاده از سگ، اسب و مرغ شکاری از اصول بسیار ابتدایی و بسیط صید یعنی شکار توسط پارچه‌های سنگ نیز کار گرفته‌اند. مثلاً باین سرود که در کتاب دیوان «لغه‌الترک» آمده توجه کنید:

«چاغیر بیریب فرشله تو

تایغان ایزیب تیشله تو

تولکی تونغیز تاشله تو

اردم بیله اوکله لیم.»

ترجمه: «مرغ شکار را بدست جوانان داده بشکار برویم، سگان شکاری را از پی صیدها رها سازیم، خرس وروب‌ا را با پارچه‌های سنگ بزئیم، و آنگاه پیروزی های خود را بستائیم.»

پرچم

از (ص ۲)

افغانستان کانون امراض گوناگون

زندگی یعنی مجادله در طریق تندرستی مردم فقط در صورتی به پیروزی می‌انجامد که محیط اجتماعی سالم باشد و بخصوص شرایط کار و زندگی مردم بهبود یابد.

حمایهٔ سلامتی مردم وظیفهٔ دولت است:

در دوران معاصر وظیفهٔ حفظ و بهبود دایمی سلامتی تمام مردم به عهدهٔ دولت‌هاست، تنها دولت‌هایی که نمایندهٔ واقعی خلق کارگر کشور اند می‌توانند این وظیفهٔ عظیم ملی را بکمک یک رشته تشبثات اجتماعی، اقتصادی و طبیی انجام دهند و پروگرام‌های وسیعی در زمینهٔ وقایه مردم از امراض و تقلیل قطعی مریضی‌ها و ریشه کن ساختن بیماری‌های عفونی و ساری، افزایش بیش از پیش حد وسط طول عمر مردم بموقع اجرا بگذارند.

امر حمایهٔ سلامتی مردم مستلزم ساختمان و توسعهٔ مؤسسات مجانی و عمومی طبیی، از آنجمله شفاخانه‌ها، آسایشگاه‌ها و تجهیز همهٔ مؤسسات طبیی به دستگاه‌ها و آلات و وسایل معاصر و برقراری نظارت دایمی (با مسئولیت طبیی) بر تمام افراد جامعه است. تأسیس و تعمیم شبکهٔ مؤسسات مخصوص حفظ سلامتی مادران و اطفال در شهرها دهات یکی از مسایل عمده بشمار می‌رود.

همچنان یکی از مهمترین وظایفی که بعهدهٔ دولت‌ها قرار دارد اینست که نسل جوان را باید از همان دورهٔ کودکی تندرست و با رشد همه‌جانبه از لحاظ جسمی و منوی بار آورد.

عامل تعیین‌کنندهٔ زندگی مردم قوانین عینی اجتماعی است که در خارج از شعور واردهٔ افراد عمل می‌کند. بیماری یک واقعیت عینی است که همهٔ ما را احاطه کرده است، وجود ارگانیزم بدون محیط خارجی محال است. لهذا برای حفظ موجودیت انسان در قدم اول باید محیط و شرایطی را که پیوسته به وی تأثیر می‌بخشد، در نظر گرفت.

علمای حفظ الصحه من حیث المجموع به این اصل علمی اتفاق دارند که «بیماری عبارت است از برهم خوردن توازن و تعادل بین عضویت ومحیط» بدین جهت برای پیروزی بر مرض باید محیطی را که خلق در آن زندگی می‌کنند از ریشه تغیر داد. احصائیه دانسان و متخصصین صحنی اعلان می‌کنند که مبارزه در طریق تندرستی مردم فقط در صورتی به پیروزی می‌انجامد که محیط و شرایط اجتماعی سالم باشد و بخصوص شرایط کار و زندگی مردم بهبود یابد. روی همین منظور است رهبر بزرگی می‌گوید: «باید حکومت ها اقدامات خود را در مورد حمایت از تندرستی افراد مقدم بر هر چیز بانجام اقدامات وسیع صحنی بمنظور وقایه از توسعهٔ بیماری‌ها مبتنی کنند…»

بر اساس این حقایق علمی است که ما پیوسته شعار می‌دهیم که تا در افغانستان یک تحول عمیق و تغیر کیفی و بنیادی رخ ندهد در شرایط موجود سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امیدی برای رهایی خلق افغانستان از فقر، جهالت و بیماری برده نمی‌شود.

محافل حاکمهٔ سیاسی موجود کشور قادر بانجام هیچ کاری نیست و عمداً باتّجه ارزش قابل نمی‌شود حمایهٔ سلامتی خلق افغانستان است.

متبقای اکثریت ۷۵ فیصد از دریاها، جوی‌ها و چاه‌های سطحی و ملوث آب می‌نوشند. ولی از آب‌های صحنی در حوض‌های آب بازی آفازده‌ها برای تفریح و سرگرمی شان استفاده می‌گردد. زندگی اکثریت توده‌های مردم در مقایسه با خوشگذارانی یک اقلیت ناچیز و ستمگر، بی‌ارزش است.

بنا بر عدم توجه طبقات حاکمهٔ ارتجاعی و مستبد کشور قانون اساسی نیز در حرف باقی‌مانده و نتوانست دردی از دردهای مردم را دوا کند و یا نتیجهٔ عاید حال شان نماید. غذای اکثریت مردم را در شهرها در ایام تابستان نان خشک و بعضاً با انگور دانگی و در زمستان نان خشک بعضاً با میدگی توت تشکیل می‌دهد.

علت اساسی این همه نابسانی‌ها در آنست که پول‌های هنگفتی از کیسهٔ مردم، در عوض آنکه به مصرف صحت و فرهنگستان برسد، از یکسو بمصرف بیجای تورم تشکیلاتی، بمصرف ایجاد عمارات مجلل و باشکوه در شهر، بمصرف موبیل و فرنیچر آخرین مودل برای نورچشمی‌ها و بمصرف رفاهیت و آسایش آن‌ها در خارج از کشور می‌رسد و از سوی دیگر به شکل سرسام‌آوری از جیب مردم به بانک‌های خارج نقل داده می‌شود.

بروی این حقایق تلخ و غم انگیز هرگاه خواسته باشیم تابلوی رقت‌بار صحت و حفظ الصحهٔ عمومی را در افغانستان زنده‌تر ترسیم نماییم، به چند رقم تخمینی زیرین بصورت نمونهٔ مراجعه می‌کنیم:

سال ۱۳۴۷ نفوس کشور ۱۶ میلیون و داکتر ۴۷۵ نفر یعنی برای هر ۲۴ هزار نفر یک داکتر. نرس ۳۷۸ نفر یعنی برای هر ۴۳ هزار نفر یک نرس. بستر ۱۶۰۰ عدد یعنی برای هر ۱۰ هزار نفر یک بستر.

هرگاه این رقم با ارقام صحنی کشورهای همسایه مقایسه شود، سطح نازل بهداشت در کشور ما بخوبی آشکار می‌گردد.

توجه کنید! تنها یک رقم را ارائه می‌کنیم. در یک کشور همسایهٔ بزرگ برای هر ۴۵۰ نفر یک داکتر وجود دارد.

کشور دیگر همسایه به تناسب نفوس پنج ای ده چند پرسونل طبیی بیشتر از افغانستان دارد.

بناز هم جای تأثر است که قسمت اعظم وسایل و لوازم و پرسونل صحنی در کابل، آن هم برای یک عدهٔ معدود تخصیص داده شده است و عده یی هم که در اطراف و ولایات مشغول کار اند بدون وسایل و دوا چگونه می‌توانند مریضی را از کام مرگ نجات دهند؟ تعداد شفاخانه‌ها نسبت به نفوس و تعداد مریضان بی‌نهایت قلیل و حتی ناچیز است، به اثر فقدان وسایل تداوی درین شفاخانه‌ها باید اعتراف نمود که بهبود یک انسان در واقع تصادف است.

بر اساس این فعالیت است که افغانستان بیک تحول عمیق در امور حفظ الصحهٔ عمومی مردم نیازمند است و بوجود آوردن این تحول ایجاب منابع لازم مالی، تربیهٔ پرسونل فنی، سازمان و نقشهٔ صحیح کارا می‌کند، زیرا تداوی صدها هزار انسان مریض، ترتیبات طب وقایوی، پاک کردن محیط از انواع کثافات و آلودگی‌ها و ایجاد محیط مناسب

به صراحت می‌توان اظهار داشت که ۹۵ فیصد مردم کشور دچار چنین اوضاع فلاکت‌بار و رقت‌آور اند. گذشته از دهات و قرای دورافتاده و وضع کوچیان نابسمان کشور، در شهرها منجمله شهر کابل پایتخت کشور بسیاری از کودکان در اولین سال تولد با مبتلا شدن به ساده‌ترین بیماری‌ها می‌میرند. روزی نیست که نهال زندگی عدهٔ از کودکان را سرخکان، چیچک، دفتری، سوءتغذی و اسهال‌های شدید و غیره درو نکند. دسته دسته کودکان چون برگ‌های خزانی بزمین می‌ریزند، گل‌های که هنوز تشکفته اند پژمرده می‌شوند و وسیله یی برای نجات آن‌ها نیست. طرز زندگی، مسکن و آب آشامیدنی در شهرها نیز رقت‌آور است. در یکی دو شهر کلان تنها در حدود ۱۵ الی ۲۰ فیصد مردم از آب آشامیدنی نسبتاً صحنی برخوردار اند.

بیانیهٔ وکیل ببرک کارمل …

که مسئول این همه فساد، دستبردها و خیانت‌ها به ثروت‌های ملی ما کیست؟ بیک جمله جواب داده می‌شود:

حکومت‌های افغانستان مسئول است! نکته‌ای که در گذارش هیأت تحقیق ولسی جرگه در موضوع نغلو قابل انتقاد است عبارت از این می‌باشد که لبهٔ تیغ مسئولیت را به عهدهٔ مأموران کم رتبه و در نهایت بالای یک رئیس نغلو وارد کرده است. درحالی‌که در پروژهٔ نغلو چندین رئیس و در وزارت معادن صنایع چندین وزیر از لحاظ حکومت‌های سه حکومت پیهم مسؤولیت دارند و باید هیأت محترم تحقیق بصورت مشخص مسؤولیت‌های هر یک از آن‌ها را در دستبردها و تخریبات پروژهٔ نغلو مشخص می‌ساخت. و همچنان تخریبات قصدی که در برابر پروژهٔ نغلو از طرف عمل داخلی و اداره کنندگان آن وارد می‌گردید هیچگونه تذکری نداده‌اند.اکنون اجازه بدهید سؤالی طرح کنیم، راه‌های علاج عاجل کدام است، و وظیفهٔ ملی مجلس در برابر راپور هیأت تحقیق ولسی جرگه در موضوع نغلو چیست؟

۱ - بعقیدهٔ ما نتایج تحقیق هیأت باید بصورت نمونهٔ تلقی گردد و باید اجبار از راه (طولانی و نا مساعد) لته بند حمل می‌گردید و قیمت تمام شد پروژه را بلند برده و ده‌ها خرابکاری (سبوتاز) دیگر عمل داخلی را در آن داخل سازیم بسان مصارف زائد اداری، اختلاس و نزدی و غیره، به بیش از ۳۵ چند تخمین هیأت تحقیق بلند می‌رود.

همچنان خاطر‌نشان می‌گردد: دسایس دیگری که موجب تشویق فساد

و ارتشاء و یا عدم جلوگیری از ارتشاء، نزدی و خیانت به پروژه‌های بزرگ صنعتی کشور که شامل سکوتر دولتی‌اند، به قصد نیات سوء ذیل است:

۱ - بمقصد جلوگیری از تقویهٔ صنایع ملی بنا بر نفوذ سیاسی استعمار گران جدید و مرتجعین داخلی.

۲ - به مقصد بدنام کردن سکتور دولتی اقتصاد از طریق بلند بردن قیمت تمام شد پروژه و فشار بیرحمانه بالای کارگران و عقب‌نگهداشتن قصدی (رشد سریع اقتصادی) افغانستان. اکنون سؤال درین جاست

یمانلیک قیل خبر دار بول.»

ترجمه - نیکی کن و امیدوار باش، بدی کن خبر دار باش.

«گپ بروت گه بولسه ایدی، پشک وزیر بوله ایدی.»

ترجمه - اگر حرف بر سر بروت میبود، حالا پشک وزیر بود.

«نانینگ بولمه سه، جانینگ یوق.»
ترجمه - اگر نان نداری، جان تداری.
« مهمان آتنگن الوغ.»

ترجمه - مهمان را بزرگوارتر از پدر خود بدان
«اگیت کیله دی ایشگه، قری کیله دی آشگه»

ترجمه - جوان برای کار کردن می‌آید و پیر برای نان خوردن.

«بچه گه تیش یره سر، اگیت گه ایش»

ترجمه - به طفل دندان میزیبد و به جوان کار.

از (صفحه اول)

افغانستان، به فساد و هرج‌ومرج جاری آلوده نمی‌بودند و دست به اختلاس و دزدی برده نمی‌شد و طبق پیشنهاد متخصصین (خارجی پروژه) در زمینهٔ بکار بردن صحیح نقشه و پلان کار پروژه، در بکار بردن مواد و لوازم و استفاده موثر قوای بشری یعنی از پرسونل و کارگران در بهره‌برداری درست فی واحد افغانی بدون صدها خراب کاری و سبوتاز قصدی عملی می‌کردند، قیمت تمام شد پروژه ازین هم پایین تر می‌آمد. یعنی بااساس تخمین قیمت مجموع پروژه بخصوص مصرف افغانی آن از ۲۷۰۰ میلیون به ۲۰۰۰ و حتی کمتر از آن تنزیل می‌کرد.

روی سنجش تخمینی و نمونه وی که هیأت محترم تحقیق کرده است بیش از ۲۵ میلیون افغانی اختلاس و دزدی و خیانت شده است. این مشت نمونهٔ خروار است. هر گاه این تخمین نمونه وی را وسعت بدھیم خیانت‌های پنهانی و تخریبات قصدی علیه پروژه را مثلاً شروع شدن (نابینگام) پروژه ماهی پر را که خارج پلان بود و برای تقریباً یک سال راه حمل‌ونقل

نزدیک به پروژهٔ نغلو را مسدود ساختند و سامان و وسایل پروژه روی اجبار از راه (طولانی و نا مساعد) لته بند حمل می‌گردید و قیمت تمام شد پروژه را بلند برده و ده‌ها خرابکاری (سبوتاز) دیگر عمل داخلی را در آن داخل سازیم بسان مصارف زائد اداری، اختلاس و نزدی و غیره، به بیش از ۳۵ چند تخمین هیأت تحقیق بلند می‌رود.

همچنان خاطر‌نشان می‌گردد: دسایس دیگری که موجب تشویق فساد

و ارتشاء و یا عدم جلوگیری از ارتشاء، نزدی و خیانت به پروژه‌های بزرگ صنعتی کشور که شامل سکوتر دولتی‌اند، به قصد نیات سوء ذیل است:

۱ - بمقصد جلوگیری از تقویهٔ صنایع ملی بنا بر نفوذ سیاسی استعمار گران جدید و مرتجعین داخلی.

۲ - به مقصد بدنام کردن سکتور دولتی اقتصاد از طریق بلند بردن قیمت تمام شد پروژه و فشار بیرحمانه بالای کارگران و عقب‌نگهداشتن قصدی (رشد سریع اقتصادی) افغانستان. اکنون سؤال درین جاست



د افغانستان د ملک دموکراتیک نظام او خپروونکی

خلق قهرمان ویتنام در راه صلح

و آزادی ملی خود پیکار می‌کنند

کنفرانس پاریس

آغاز مذاکرات بین اضلاع متحده امریکا و نمایندگان جمهوری دموکراتیک ویتنام راجع به موضوع ویتنام، باثبات می‌رساند که در شرایط معاصر اعمال قوت هر قدر هم بزرگ باشد، نمی‌تواند هیچ مسئله جهانی را حل کند. مقاومت شجاعانه خلق ویتنام نشان داد که پیروزی در یک جنگ ظالمانه - جنگ در برابر اراده ملتی که عزم کرده آزاد زیست کند و سرنوشت خود را بر حسب اراده خود تعیین نماید - امکان‌پذیر نیست.

جنگ ویتنام که ظالمانه‌ترین جنگ در تاریخ بشریت است، به افسانه برتری جاودان نظام امپریالیزم خاتمه داد و روشن ساخت که دیگر امپریالیستان در موضعی نیستند که با جبر و تشدد اراده از ادیخواهی ملتی را درهم شکنند. امپریالیست‌ها سال ۱۹۶۸ را سال «پیروزی نهایی» و شکست کامل جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی تثبیت کرده بودند. ولی بقول والتر لپین مبصر امریکایی «آنچه شکست می خورد این نظریه است که ایالات متحده امریکا می‌تواند بواسطه قوت نظامی خویش نظام اشیا را در قاره آسیا تعیین نماید ... سیاست جانسن رسک روی این عقیده استوار است که ۲۰۰ میلیون امریکایی با توفقی که از لحاظ تکنالوژی دارند، می‌توانند مردم آسیا را که دوبر سه حصه بشریت را تشکیل می‌دهد، هدایت و رهبری نماید.»

حملات قهرمانانه ویتکانگ‌ها در اول سال ویتنامی در ۴۳ شهر، صدها قریه، مراکز بزرگ نظامی و میدان‌های هوایی، اشغال قسمت بزرگ شهر سایگون پایتخت رژیم سیگونی و تصرف قسمتی از سفارت امریکا در آن شهر، تصرف کامل شهر هوئی پایتخت سابق ویتنام و غیره و همچنان آغاز مجدد حملات ویتکانگ‌ها بر شهرها و مراکز نظامی امریکا و کشاندن دامنه جنگ تا حوالی قصر ریاست جمهوری رژیم

از (ص اول)

سیگون و جریان جنگ‌های شدید خیابانی در کوچه و بازار سیگون، بی‌پایه بودن این ادعا را ثابت می‌نماید، و نشان می‌دهد که امپریالیزم قادر نیست «نظام اشیا» را حتی در یک کوچه بسیار کوچک آسیا با حد اعظم قوت خود و صرف روزانه صد میلیون دالر تعیین نماید.

حملات ویتکانگ‌ها در اوایل سال نو ویتنامی که خود جانسن آنرا «تعجب آور» و بمثابة «قیام عمومی» خوانده و هکذا موج دوم حملات آن‌ها که همین اکنون به شدت ادامه دارد، شکست بزرگی برای امپریالیزم و هواخواهان آن محسوب می‌گردد. حملات مذکور مبین این حقیقت است که جبهه آزادی ملی مردم جنوبی از حمایه و پشتیبانی کامل مردم ویتنام برخوردار است و یگانه نیرو است که می‌تواند و حق دارد از مردم ویتنام جنوبی نمایندگی کند. و بدون شناسایی و اعتراف باین حقیقت مسلم، حل مساله ویتنام دشوار و حتی ناممکن است، آنچه می‌تواند راه را برای حل معقول و آبرومندانه جنگ ویتنام باز کند، همانا قطع فوری، کامل و بدون قید و شرط بمباران بر جمهوری دموکراتیک ویتنام و شناسایی جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی بحیث نماینده واقعی مردم ویتنام جنوبی، احترام به مواد قرارداد ۱۹۵۴ ژنیو راجع به آینده ویتنام می‌باشد.

اکنون که چانسی برای خاتمه دادن باین جنگ وحشیانه امپریالیزم بدست آمده، همه بشریت صلح جو و ترقی خواه متوجه روشی است که امریکا در پیش خواهد گرفت. اگر امریکا باز هم نقشه خود را پیش کند و از واقعیت چشم ببوشد و بخواهد آنچه را که از طریق جنگ بدست آورده نتوانست، اکنون از راه مذاکره بدست آورد، اشتباه خواهد بود و مردم ویتنام هیچ چاره به جز ادامه پیکار نخواهند داشت و بطور یقین در آن پیروز نیز خواهند شد.

کارگران می‌افزاید که تظاهرات کارگران کاملاً قانونی بوده و تحت نظم و انضباط محکم و آهنین کارگری قرار داشته است. کارگران اظهار نموده‌اند: در آخرین باری که ایشان خواسته خود را به شخص رئیس تفحصات پترول تقدیم کرده‌اند، موصوف با ندای دکتاتورانه چنین جواب داده است: «ما بشما ضرورتی نداریم، هر جا که خواسته باشید بروید!»

والسی جوزجان در جریان تظاهرات اخیر بر کارگران فشار آورده بود که گویا محرکین اعتصاب را بوی معرفی کنند، کارگران فقط یک جواب داشتند و آن اینکه: «محرکین حقیقی ما بدن آفتاب سوخته و شکمهای گرسنه ماست.» همین که کارگران در برابر خواسته‌های قانونی خود از هر جا جواب منفی گرفتند، بیش از ۳۵۰ نفر بصورت اعتراض علیه استبداد و عدم اعتنای مقامات مسئول به خواسته‌های قانونی‌شان از شبرغان جانب کابل مارش کردند.

این مارش مسالمت‌آمیز از طریق بلخ آغاز شده و گفته می‌شود حین مواصلت به ولایت بلخ یک عده از دربوران بس‌ها و لاری‌های کرایه در آن ولایت داوطلب شدند که مارش کنندگان را توسط وسایط خود بصورت رایگان تا کابل حمل نمایند، ولی مداخله مأمورین و مقامات ولایت

تظاهرات شاگردان لیسه ابن یمین

و شهریان شبرغان

طوری که اطلاع گرفته‌ایم بتاريخ ۷ ثور، متعلمین لیسه ابن یمین ولایت شبرغان علیه اخراج غیرقانونی یکی از شاگردان از لیسه مذکور، به تظاهرات دست زدند. طی چندین میتینگی که درین تظاهرات برگزار شد، سخنرانی‌های در اطراف خودسری‌های منسوبین معارف و اعمال ضد قانونی و ضد آزادی‌های دموکراتیک مردم که از طرف مقامات مسئول ولایت بحمایت از منافع طبقات حاکم مرتجع صورت می‌گیرد، ایراد و با شعارهای گرم صدها نفر از اشتراک کنندگان و مردمان رنج‌دیده استقبال گردید. انگیزه این تظاهرات، اخراج غیرقانونی وظالمانه یکی از متعلمین صنف یازده لیسه ابن یمین بود که در برابر حرکات توهین آمیز و ضد کرامت انسانی و مستبدانه بی از خود دفاع کرده و به فیصله مدیریت معارف و امر مقام ولایت، خلاف ماده ۳۴ قانون اساسی از حق تحصیل محروم ساخته شده بود.

این تظاهرات سبب شد که متعلم مذکور تا رسیدن هدایت از مرکز وزارت معارف دوباره شامل لیسه گردیده به تحصیل خود ادامه بدهد.

تظاهرات شاگردان

تخنیک عالی ادامه دارد

از شونخی تخنیک عالی اطلاع می‌دهند که شاگردان شونخی مذکور به روز شنبه ۱۴ ثور، غرض تعقیب خواسته‌های صنفی خویش بار دیگر دست به اعتصاب زدند. چون از طرف مقامات مسئول به مطالبات‌شان این بار نیز جواب قناعت بخش داده نشد، بنا برآن تمام متعلمین آن شونخی بشکل تظاهرات منظم و مسالمت‌آمیز با شعارهای «تخصیلات عالی می خواهیم» و «زنده باد جوانان بادرک تخنیک» بطرف وزارت معارف حرکت کردند.

تظاهرکنندگان در وزارت معارف از وزیر آن وزارت خواستند که به خواسته‌های آن‌ها جواب گوید. وزیر معارف با دادن وعده‌های فراوانی (!) از مظاهره چپان خواست تا دوباره به شونخی برگردند.

اعتصاب شاگردان تا هنوز ادامه دارد.

حقوق دهقانان بی‌دفاع

به نفع منتفدین محلی پامال می‌شود

از ولایت پروان اطلاع می‌دهند که کودکیمایوی «استحقاق سال ۱۳۴۷» دهقانان این ولایت در اثر مداخله عدیمی از عناصر صاحب نفوذ، عوض اینکه مستقیماً به دهاقین مستحق، بر اساس نرخ رسمی وزارت زراعت «فی بوری ۲۲۵ - افغانی» توزیع گردد، به مشتی محتکرین سوداگر به فروش می‌رسد و آنان بازار سیاهی از آن بوجود آورده، هر بوری کود کیمیایوی را به قیمت ۲۸۰ - ۳۱۰ افغانی بالای دهقانان ستم‌دیده و تهیدست بفروش می‌رسانند.

با این حال آیا می‌توان اینهمه تبلیغات پر آب و تاب بلندگویان دولت را در مورد کمک به دهقانان بی‌بضاعت کشور باور کرد؟ درحالی‌که با این طرزالعمل فقط می‌شود با دستبرد ظالمانه به حقوق دهقانان بی‌دفاع، به اشتباهی سیری ناپذیر یک عده از منتفدین محلی و ملاکین بزرگ خدمت کرد.

اخراج کارگران فابریکه

بتون و حجاری هوختیف

در شماره گذشته پرچم ضمن گزارش تظاهرات روز اول ماه می در کابل اطلاع داده بودیم که هنگام ورود تظاهرکنندگان در فابریکه بتون و حجاری که فعلاً به گرو انحصارات امپریالیستی هوختیف می‌باشد، کارفرمایان استتارگر آلمانی کارگری را به اسم عبدالطیف به جرم یک درخواست قانونی‌اش زیر مشت و لگد گرفته بود که در اثر احتجاج تظاهرکنندگان یکی از کارفرمایان فابریکه مجبور گردید بر روی سند تحریری از این عمل خود معذرت بخواهد، و وعده داد که او را از فابریکه بیرون خواهد کرد. اما علی‌رغم پوزش و تعهد، فردای آنروز نه تنها آن کارگر را، بلکه یک تعداد دیگر از کارگران را نیز بجرم استقبال از مظاهره چپان و اشتراک در تظاهرات روز اول می از کار برکنار کرده‌اند.

قرار اطلاع بعدی با جرئت تمام و با اطمینان خاطر بمقامات مربوطه حکومتی نگاشته‌اند برای اینکه دستگاه از نگاه پالیسی به امن و امان نگهداشته شود لازم دیده شد که یک تعداد کارگران از کار برکنار شوند.

پرچم: این دلیل دیگری مبنی بر خویدسری و اعمال مایشایی استتارگران و بخصوص استتارگران خارجی در کشور ما و پیوند آن‌ها با مقامات حکومتی می‌باشد.

(از صفحه ۳)

بیانیه وکیل ...

در برابر «بیات المال» یعنی از بودجه دولت سوءاستفاده‌های کلانی کرده‌اند، مورد تحقیق و محاکمه ملی قرار گیرند و به جزاهای سنگینی برسند، بغیر ازین هر اقدام دیگر ولسی جرگه نتیجه عملی نخواهد داشت جز امر افشاگری فساد اداره و حکومت‌های افغانستان که البته این امر نیز مفید است.

سؤال اخیر علاج اساسی و نجات‌بخش عبارت از چیست؟

بعقیده ما علاج اساسی عبارت از: بوجود آوردن تغییرات کیفی و بنیادی در حیات سیاسی، اقتصادی - اجتماعی کشور می‌باشد که صرف از طریق ایجاد یک حکومت دموکراتیک و ملی درین مرحله تاریخی است که از اکثریت عظیم ملت یعنی خلق افغانستان اعم از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و نیروهای وطن‌پرست و دموکراتیک و دیگر طبقات تحت ستم شهرها و دهات ولایات کشور در یک جبهه متحد تأسیس گردد. در غیر آن از وضع موجود امید (راهی داشتن) به جانب سراب رفتن است!

پلخمیری بغرض استقبال و پیوستن به ایشان جانب چشمه شیر حرکت کرده‌اند.

پرچم: درحالی‌که جدا از مطالبات مشروع کارگران تفحصات پترول و مبارزات دلیرانه ایشان پشتیبانی می‌کنند، از تسام و وطنپرستان و دموکراتان و ترقی خواهان، خاصاً از کارگران و مبارزانی که در برابر کارگران وظایف تاریخی بدوش دارند

راشئ سندی و بولو

له لری نه دمارش آواز را رسیزری، د موزیک د ترانی موجهه لکه سمندری خُپی چه دغرونو پر لمنو ور دانگی د ساده نندارچیانو له سرو سینو سره سر وهی. پدی ترانو کی دخینو وگرو او خینو حوادثو ستاینه کیزی او سادگان لکه د رمی گدی سر ورته خوخیو زما زره هغه بی حرکتکه او سور غر دی چه کلونه کلونه ددی احمقانه ستاینو پر له پسی بهیر ته ولار دی هیخکله له خپله خایه ندی بی خایه شوی. پدی ترانو کی دبزرگانو ربرونه، دشینو هلی خلی او د مزدورانو له وپاره دک ژوند نه ستایل کیزی. زما د بیخوبیو او ستومانیو، زما دلاس تباکو او پیاپورو متو په باب دا ترانی او مارشونه هیخ مضمون نلری.

ما تر اوسه پوری په هیخ ملی سرود کی دخپل ولس آواز ندی اوریدلی دامارشونه دغلو، داره مارانو او تیارخورو د غرور د تنندی د ماتولو لپاره تیار شوی دی، دا انسان ته دآزادی لارنه ورینی بلکه غلامی اوب ندگی ته بی رابولی. دا په خلکو کی دحریت او آزادی روح وژئی. دا دجگو سرونو تیتول او د پولادی ملاوو ماتول غواری. دا د زورورو د استبداد د افسون او د حاکمانو د خودخواهی جنون دی - خکه ماته د امارشونه که خه هم زما په هیواد کی ترکیب شوی پردی بنکاری، - نه بی اورم او دهغه له مغرورو ترانو خُخه کرکه لرم ***

آخر زما وطن چیری دی؟ خما کار خوک ستایی، او زما د زیار لپاره خوک ترانی لیکي. هغه مارش چیری دی چه ما له خپل ولس او ستر هیواد سره ونیبلوی؟ زما مارش لاندی لیکل شوی او زه لا دخپل هیواد حتی د خپلی پولی او خپل کور خاوند نه یم. راشی چه خپل مارشونه ولیکو! راشی چه خپل زیارونه وستایو، راشی چه داسی سرودونه او ترانی ولیکو چه په هغوی کی دخپل خلاند مستقیل لویه لار ووینو. راشی چه خپلی ترانی وبولو او دهغوی په بللو کی هغه تول خلک را شریک کرو چه د آزادو ترانو له بللو خُخه محروم شوی دی او اوس دخپل تور ژوند په اوږده شپه کی دسپینو د راختو انتظار لری. راخی هغه سرودونه هست کرو چه مونیر له خپل لوی هیواد، له خپلو خلکو او تول محروم بشریت سره یوخی کوی. راخی دسولی، برابری او وروری سندی وبولو او دخلکو دهنمانو نه پخلا کیدونکو زرونوته دخپلو خلکو د برم او بری زلزله ور د ننه کرو! راشئ سندی وبولو!

(سلیمان لایق)

انتظار دارد تا از هیچگونه همدردی و حمایت در مورد این مارش کنندگان دلیر دریغ نورزند.

پیروز باد مارش عظیم و قهرمانانه کارگران پیشرو تفحصات وزنده باد تاریخ نوین رهایی‌بخش و پرافتخار جنبش کارگران و تصمیم خلل‌ناپذیر ایشان در راه اعمار وطن پر افتخار ما افغانستان!...

پرچم هره دوشنبه خپریزری	
اشتراک	
په مرکز کی د کال ۱۰۰ - افغانی	
په ولایتو او پښتونستان کی د کال ۱۱۰ افغانی	
له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالره	
یوه گڼه	۲ - افغانی

دولتی مطبعه

تایپ متن: مسعود حداد، ویرایش جدید: عمر فیض

انتظار دارد تا از هیچگونه همدردی و حمایت در مورد این مارش کنندگان دلیر دریغ نورزند.

پرچم: درحالی‌که جدا از مطالبات مشروع کارگران تفحصات پترول و مبارزات دلیرانه ایشان پشتیبانی می‌کنند، از تسام و وطنپرستان و دموکراتان و ترقی خواهان، خاصاً از کارگران و مبارزانی که در برابر کارگران وظایف تاریخی بدوش دارند

انتظار دارد تا از هیچگونه همدردی و حمایت در مورد این مارش کنندگان دلیر دریغ نورزند.

پرچم: درحالی‌که جدا از مطالبات مشروع کارگران تفحصات پترول و مبارزات دلیرانه ایشان پشتیبانی می‌کنند، از تسام و وطنپرستان و دموکراتان و ترقی خواهان، خاصاً از کارگران و مبارزانی که در برابر کارگران وظایف تاریخی بدوش دارند